

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و سوم، شماره نود و دوم

زمستان ۱۴۰۱

شخصیت، آثار و تاریخ‌نگاری علی بن ابراهیم جَوّانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۲/۶

محمدجواد یاوری سرتختی^۱

محمدرضا هدایت‌پناه^۲

علی بن ابراهیم علوی جَوّانی (متوفی اوائل قرن چهارم) از مورخان شیعی و صاحب کتاب‌های اخبار صاحب فخر و یحیی بن عبدالله است. وی در آثار خود تلاش کرده تا به قیام شخصیت‌های برجسته علوی و زیدی بپردازد. این کتاب‌ها از بین رفته است، اما بخش‌هایی از آن از طریق کتاب مقاتل الطالبیین حفظ شده و به دیگر متون تاریخی راه یافته است. ابهاماتی که درباره شخصیت، حیات علمی، شیوه تاریخ‌نگاری و منابع مورد استناد جَوّانی و اهداف او از نگارش این آثار وجود داشت، تحقیقی منسجم در این زمینه را گریزناپذیر ساخت. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که جَوّانی از مورخان و صحابه‌نگاران شیعه بوده است و مهم‌ترین انگیزه وی در نگارش مقتل خاندان ابی‌طالب به ویژه اخبار تاریخی صاحب فخر و یحیی بن عبدالله، افزون بر معرفی چهره معنوی، سیاسی، اجتماعی آنان در شرایط سیاسی و

۱. استادیار موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع): (javadyavari@yahoo.com).

۲. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: (hedayatp@rihu.ac.ir).

اجتماعی عصر خویش، معرفی فساد حاکمیت و تأکید مجدد بر مبارزه با ظلم تا رسیدن به شهادت از یک سو و از سوی دیگر تحریک زیدیه و علویانی بود که اندیشه قیام مسلحانه داشتند.

کلیدواژگان: علی بن ابراهیم جَوّانی، تاریخ‌نگاری اسلامی، صحابه‌نگاری، مورخان شیعه، کتاب صاحب فخر و یحیی بن عبدالله.

مقدمه

دانشمندان شیعه همواره در عرصه پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی به ویژه در تولید آثار علمی حضور فعالی دارند. یکی از حوزه‌های نقش‌آفرینی تمدنی آنان، دانش تاریخ اسلام است که در این زمینه نیز آثار ارزشمندی تولید کرده‌اند. یکی از این مورخان و نسب‌شناسان، علی بن ابراهیم علوی جَوّانی است که در حوزه مقتل‌نگاری تک‌نگاشته‌هایی داشته است. متأسفانه در منابع رجال، فهرست، تاریخ و حدیث، اطلاعات جامع و منسجمی درباره شخصیت جَوّانی، آثار، روش تاریخ‌نگاری، منابع، استادان و شاگردان وی وجود ندارد. در آثار جدید نیز تا کنون کسی به معرفی و بررسی آثار جَوّانی نپرداخته است.

فرضیه این پژوهش آن است که این شخصیت از شیعیان امامیه، محدث و مورخی توانمند بوده و برای دستیابی به اخبار علویان و احیای ابعاد شخصیت آنان از جمله حسین بن علی معروف به شهید فخر (۱۶۹ق) تلاش فراوانی نموده است. برای بررسی و تحلیل این محورها، این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به معرفی شخصیت و جایگاه علمی علی بن ابراهیم پرداخته است.

۱. شخصیت و حیات علمی

کتاب‌های اخبار صاحب فخر (حسین بن علی) و اخبار یحیی بن عبدالله بن الحسن المثنی (م ۱۸۰ق) از نگاشته‌های علی بن ابراهیم بن علی بن ابراهیم بن محمد بن حسن بن محمد بن عبیدالله بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام مکنی به

ابوالحسن جَوّانی از عالمان ثقه شیعه^۱ است که با توجه به زمان وفات شاگردانش (مانند کلینی که در سال ۳۲۹ قمری درگذشت) به احتمال زیاد متوفای اوائل قرن چهارم هجری باشد. بر اساس گفته سمهودی، پسوند جَوّانی منسوب به منطقه‌ای از سرزمین یمامه یا نام روستایی از روستاهای نزدیک مدینه است که مردم آن همگی علوی‌اند.^۲

نجاشی، جَوّانی را از مؤلفان شیعه دانسته، می‌نویسد: «علی بن ابراهیم جَوّانی ثقه و صحیح الحدیث است. وی دارای کتاب‌هایی چون *أخبار صاحب فح* و *کتاب أخبار یحیی بن عبدالله بن الحسن المثنی* بوده و ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ق) اخبار این کتاب را دیده و از خود وی نیز شنیده و نقل کرده است».^۳ همچنین ابن حزم (م ۴۵۶ق)، با تجلیل از مقام جَوّانی می‌نویسد: «علی بن ابراهیم از عابدان کوفه، صاحب علم بوده، روایاتی از وی صادر شده و عالم در دانش نسب‌شناسی است».^۴ علی بن ابراهیم، نسب‌شناس اهل مدینه^۵ و بنا بر گفته مقریزی (م ۸۴۵ق)، نسب‌شناس کوفه بوده است.^۶ همچنین، علوی عمری (م ۷۰۹ق) وی را محدث و نسب‌شناسی بزرگ دانسته است.^۷ علامه حلی (م ۷۲۶ق) نیز می‌نویسد: «علی بن ابراهیم ثقه و احادیث وی صحیح است».^۸

۱. نجاشی، *الرجال*، ص ۹۵.

۲. سمهودی، *وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی*، ج ۴، ص ۵۲.

۳. نجاشی، *الرجال*، ص ۲۶۳.

۴. ابن حزم، *جمهرة أنساب العرب*، ص ۵۶.

۵. علوی عمری، *المجدی فی انساب الطالبیین*، ص ۱۹۶.

۶. مقریزی، *المقفی الکبیر*، ج ۵، ص ۱۶۸.

۷. علوی عمری، *المجدی*، ص ۴۰۰.

۸. شیخ طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۷۹۵؛ علامه حلی، *خلاصة الاقوال*، ص ۱۸۲.

جَوّانی در کوفه وفات یافت. قبر او پس از باب طایفه کِنده (در جنوب غربی کوفه) است که روی قبر وی بارگاهی ساخته شد.^۱ علی جَوّانی دارای دو فرزند به نام احمد ابوالعباس و محمد است. محمد، زاهد، عابد و صاحب‌خاندان بزرگ در بغداد بود و نقبای واسط از نسل وی‌اند.^۲ شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) فرزندش احمد را نیز از راویان شیعه دانسته که تَلَعُکُبْرَى (هارون بن موسی) از عالمان بزرگ شیعه ضمن دریافت اجازه، احادیث اندکی را از وی نقل کرده است.^۳

درباره نام و شهرت جَوّانی اختلاف زیادی نیست اما تشابه اسمی فروانی بین وی و دیگر راویان وجود دارد. خویی (م ۱۴۱۳ق) شهرت وی را هاشمی ضبط کرده است^۴ اما شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) گاهی در سند روایات خود از او با عنوان علوی جَوّانی یاد می‌کند.^۵ ابوالفرج اصفهانی نیز گاهی از شهرت علوی،^۶ جَوّانی^۷ یا علوی حسینی^۸ استفاده کرده است. به نظر می‌رسد شهرت علوی و جَوّانی برای وی مشهور بوده است.^۹

۱. علوی عمری، المجدی، ص ۱۹۶.

۲. مروزی ازوارقانی، الفخری فی أنساب الطالبیین، ص ۶۴؛ فخر رازی، الشجرة المباركة فی أنساب الطالبیة، ص ۱۶۸.

۳. شیخ طوسی، رجال، ص ۴۰۹.

۴. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۲۱۰.

۵. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۸۷.

۶. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۹۳.

۷. همان، ص ۲۹۱.

۸. همان، ص ۲۴۶.

۹. ابن خزاز، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۳۱۱.

درباره مذهب علی جَوّانی در منابع حدیثی و تاریخی به طور صریح چیزی بیان نشده است اما نجاشی و طوسی وی را جزو مؤلفان شیعه دانسته‌اند و وی را در حدیث توثیق کرده‌اند.^۱ در منابع روایی از وی با عنوان علوی یاد شده و چندین روایت در فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام و جایگاه وی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از او نقل شده است.^۲ جَوّانی در سند روایتی قرار دارد که می‌گوید زید بن علی علیه السلام شیخین را قبول نداشته است.^۳ نیز برخی منابع روایی شیعه چندین روایت فقهی از وی نقل کرده‌اند.^۴ بنابراین از مجموع قرائن برمی‌آید که وی از شیعیان اثناعشری بوده است و هیچ سندی دال بر غیرشیعه یا زیدی بودن وی در دست نیست.

به نظر می‌رسد کثی و حلی درباره شخصیت علی بن ابراهیم دچار اشتباه شده، او را با شخص دیگری مشترک دانسته‌اند: «علی بن ابراهیم، ثقه و هنگام خروج امام رضا علیه السلام به سوی خراسان، همراه امام بود».^۵ حال آن که جَوّانی مورد بحث ما متوفای قرن چهارم هجری و هم عصر محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ق) و ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ق) است. بین زمان کلینی که شاگرد جَوّانی بوده با زمان امام رضا علیه السلام (م ۲۰۳ق) فاصله زیادی است. بنابراین نمی‌توان گزارش علامه حلی را پذیرفت. خوبی بر این باور است که این اشتباه از ناحیه کسانی چون ابراهیم و حمدویه بن نصیر شاهی^۶ بوده است.^۷ چنان که

۱. نجاشی، الرجال، ص ۲۵۶.

۲. ابن بطریق، العمده، ص ۲۰۸؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۵۴.

۳. ابن خزاز، کفایة الأثر، ص ۳۱۱.

۴. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۸۶، ج ۶، ص ۳۴۰، ۲۲۵.

۵. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۹۵؛ علامه حلی، خلاصة الاقوال، ص ۱۸۲.

۶. ابن دو، بردار و از علمای شیعه‌اند. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۴، ۷.

۷. خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۳۴۴.

بعضی مانند قهپایی (م ۱۳۷۸ق) و مامقانی (م ۱۴۲۹ق)^۱ گفته‌اند: «جَوّانی در روایت علامه حلی و کشی همان ابوالمسیح عبدالله بن مروان جَوّانی از اصحاب امام رضا علیه السلام است»^۲. البته خوبی این سخن قهپایی و مامقانی را ناصواب دانسته و معتقد است که ابوالمسیح هیچ قرابتی با امام رضا علیه السلام نداشت و شاهی بر آن وجود ندارد.^۳ احتمال دارد مراد از علی بن ابراهیم معاصر امام رضا علیه السلام، همان علی بن ابراهیم بن هاشم باشد که ریان بن صلت روایاتی از وی نقل کرده است.^۴ یا این که مراد از جَوّانی مذکور در روایت کشی، حسن بن محمد بن عبیدالله بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب جَوّانی، پدر جد علی بن ابراهیم بن محمد باشد. مؤید این سخن روایتی از کلینی است که در آن مراد از جَوّانی همان حسن بن محمد است.^۵ در مجموع می‌توان گفت علی بن ابراهیم جَوّانی در روایت کشی غیر از علی بن ابراهیم جَوّانی صاحب کتاب /خبار صاحب فسخ است و نجاشی نیز صاحب کتاب فسخ را از اصحاب امام رضا علیه السلام ندانسته است.^۶

۱. قهپایی، معجم الرجال، ج ۴، ص ۵۱؛ مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲، ص ۲۵۹؛

خویی، پیشین، ج ۱۱، ص ۳۴۴.

۲. در سند روایتی به جای الجَوّانی واژه الجوّاری ذکر شده است: شیخ طوسی، اختیار معرفة

الرجال، ج ۱، ص ۲۰۸، ج ۲، ص ۴۶۸.

۳. خویی، پیشین، ج ۱۱، ص ۳۴۴.

۴. علامه حلی، خلاصة الاقوال، ص ۴۱۵.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۵.

۶. نجاشی، الرجال، ص ۲۶۳.

۲. آثار علی بن ابراهیم جَوّانی

تاریخ‌نگاران عمومی همانند طبری (م ۳۱۰ق)^۱ و مسعودی (م ۳۴۶ق)^۲ به جریان شهادت شهید فخر و دیگر طالبیان پرداخته‌اند؛ اما تک‌نگاری‌هایی نیز درباره قیام شهید فخر و یحیی بن عبدالله تألیف شده است که علی بن ابراهیم جَوّانی بخشی از اخبار آنان را نقل کرده است. نخستین کتاب تدوین‌یافته کتاب خروج صاحب فخر و مقتله نگاشته ابومحمد عبدالله بن ابراهیم جعفری است.^۳ در بررسی اسناد ابومحمد جعفری در کتاب خروج صاحب فخر روشن گردید که اخبار وی در دسترس بکر بن صالح قرار داشته است.^۴ بخش بزرگی از این رساله به روایت بکر بن صالح رازی در کتاب اخبار فخر احمد بن سهل رازی^۵ و الکافی کلینی آمده است.^۶ از دیگر سو بکر بن صالح و ابومحمد نیز در سند اخبار جَوّانی قرار دارند.^۷ یکی دیگر از قدیمی‌ترین نویسندگان اخبار فخر و یحیی بن عبدالله، احمد بن سهل رازی (م ۳۲۲ق) است.^۸ اخبار این کتاب از طریق حسین بن عبدالواحد کوفی، محمد بن علی بن ابراهیم، بکر بن صالح رازی، عمر بن شُبّه و دیگران نقل شده است.^۱

۱. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۸، ص ۲۰۱؛ ص ۲۰۳-۱۹۲.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۲۷-۳۲۶، ج ۳، ص ۳۴۲.

۳. وفات وی نامعلوم بوده و احتمالاً در ربع قرن دوم وفات کرده باشد. نجاشی، الرجال، ص ۲۱۶؛

خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۸۸.

۴. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۶۷.

۵. رازی، اخبار فخر، ص ۲۷.

۶. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۶.

۷. ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۲۹۴.

۸. حسن انصاری درباره این کتاب و نویسنده آن در مطلبی با عنوان: «اخبار فخر و خبر یحیی بن

عبدالله [و اخیه ادریس بن عبدالله] تألیف احمد بن سهل رازی»، می‌نویسد: این کتاب مجعول است.

در بررسی منابع فهرست‌نگاری و تراجم شیعه و عامه، تنها دو کتاب برای علی بن ابراهیم ثبت شده است. بر اساس عنوان کتاب‌ها، محتوای آن‌ها اخبار شهید فخر (حسین بن علی) و یحیی بن عبدالله است. کتاب‌های جَوّانی از مصادر اصلی ابوالفرج اصفهانی در *مقاتل الطالبیین* است و ابوالفرج حدود ۳۵ خبر از وی نقل کرده است که ۲۹ خبر آن مربوط به اخبار شهید فخر و یحیی بن عبدالله است. جَوّانی اخباری نیز درباره دیگر طالبیان از جمله شهادت علی بن حسن بن حسن،^۲ محمد بن عبدالله،^۳ علی بن عباس بن حسن،^۴ ادریس بن عبدالله و محمد بن یحیی دارد.^۵ با توجه به این روایات و دیگر اخبار وی در منابع روایی شیعه می‌توان گفت اگرچه علی بن ابراهیم کتابی با موضوع *مقاتل آل ابی طالب* ندارد، احتمالاً در این زمینه دفتر یا دست‌نوشته‌هایی داشته یا به اخبار مورخان دیگر از طریق بکر بن صالح دسترسی داشته است؛ یا آن که در لابه‌لای کتاب‌های خویش، تاریخ شهادت برخی از خاندان ابی‌طالب را نیز نقل کرده باشد. چنان که زندگانی علی بن عباس بن حسن، ادریس بن عبدالله و محمد بن یحیی مرتبط با اخبار شهید فخر است و شهید فخر، علی بن عباس را از زندان مهدی عباسی آزاد کرد.^۶ نیز در گزارش‌های

رک: وب سایت بررسی‌های تاریخی مقالات و نوشته‌های حسن انصاری در حوزه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام، ۲۳ آذر، ۱۳۹۰. همچنین: سلیمان‌زاده افشار، ثروت، *اخبار فخر*، به روایت

احمد بن سهل و ابوالفرج اصفهانی، *میقات حج*، زمستان ۱۳۹۰، ش ۷۸.

۱. رازی، *اخبار فخر*، ص ۲۷؛ احمد بن ابراهیم، *المصابیح*، ص ۴۶۴.

۲. ابوالفرج اصفهانی، *پیشین*، ص ۱۳۱.

۳. همان، ص ۱۸۷.

۴. همان، ص ۲۶۷.

۵. همان، ص ۳۲۴.

۶. همان، ص ۲۶۷.

ابوالفرج واژه حدثی که بیانگر طریق سماع است، در ارتباط با جَوَانی به کار رفته و گویای آن است که ابوالفرج به طور مستقیم اخبار را از خود نویسنده شنیده یا از کتاب‌هایی که نزدش بوده نقل کرده است. علی بن ابراهیم نیز در اسناد خود عبارت حدثی را به کار برده و این اخبار را از طُرُق افرادی چون سلیمان بن عطوس و حمدان بن ابراهیم نقل می‌کند که در منابع تراجم شناخته شده نیستند و آثار مکتوبی ندارند.

در منابع روایی شیعه و عامه، احادیث قابل توجهی در موضوعات مختلف تاریخی از علی بن ابراهیم نقل شده است.^۱ برخی از این روایات بیان دیدگاه زید بن علی علیه السلام درباره عدم مشروعیت حکومت خلفا و راهنمایی مردم به پذیرش ولایت امام صادق علیه السلام^۲ به عنوان صاحب امر امامت و بیان فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام است.^۳ حسکانی (م ۴۹۰ق)،^۴ ابن عساکر (م ۵۷۱ق)^۵ و ابن عقده (م ۳۳۳ق)^۶ روایاتی را از وی نقل می‌کنند. افزون بر اخبار تاریخی، در منابع حدیثی شیعه چندین روایت فقهی، اعتقادی و غیر آن‌ها، گاهی بی‌واسطه (در باب ایمان و کفر، باب ذنوب،^۷ باب صید^۸) و گاهی با واسطه (در باب صلوة، الأَطعمة و باب الجُبْن) از وی نقل شده است.^۹ جَوَانی راوی کتاب

۱. نوری، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، ج ۶، ص ۳۰۱.

۲. ابن خزاز، کفایة الأثر، ص ۳۱۱-۳۱۲.

۳. ابن بطریق، العمده، ص ۲۰۸.

۴. حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۳۶۸.

۵. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۵۴.

۶. ابن عقده، فضائل أمير المؤمنین علیه السلام، ص ۱۱۴.

۷. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۷۵.

۸. همان، ج ۶، ص ۲۲۵.

۹. همان، ج ۳، ص ۳۸۶؛ ج ۶، ص ۳۴۰.

حج امام کاظم علیه السلام نگاشته علی بن عبیدالله بن حسین بن علی بن حسین نیز هست.^۱
همچنین سید ابن طاووس (م ۶۴۴ق) روایاتی از وی نقل کرده است.^۲

۳. خاستگاه نگارش اخبار طالبیان

مقتل‌نگاری سادات در دو دوره اموی و عباسی تنها یک خاستگاه نداشته است. مقاتل مربوط به دوره اموی هم خاستگاه شیعی و هم خاستگاه غیرشیعی داشته است. حکام عباسی که خود را بخشی از قیام‌کنندگان سادات بر ضد امویان تعریف کرده و برای خود شعاری از این رهگذر دست و پا کرده بودند، تلاش داشتند تا با انتشار این گونه اخبار، مقدمات به قدرت رسیدن خود را فراهم کنند. آنان با خواندن مقاتل به خصوص مقتل سیدالشهدا علیه السلام احساسات و عواطف مردم را بر ضد امویان تحریک می‌کردند. اما بدیهی بود که پس از استقرار عباسیان و قیام سادات بنی هاشم بر ضد آنان، دیگر نهضت *مقتل‌نگاری سادات* مورد رضایت عباسیان نباشد؛ چرا که این کار همان هدفی را در جامعه دنبال می‌کرد که پیش از آن، عباسیان بر ضد امویان با *مقتل‌خوانی* دنبال می‌کردند. به همین دلیل *مقتل‌نگاری* علویان تا برهه‌ای با *کندی* روبه‌رو شد.

امتداد جغرافیایی قیام‌های علویان از شرق تا غرب جهان اسلام، زمان بر بودن انتشار اخبار برای دستیابی مورخان و مردم به آن‌ها و بیان نسب خاندان ابوطالب و رفتار حاکمیت با این خاندان از عواملی بودند که روند نگارش در این زمینه را کند ساخت.^۳
ابوالفرج اصفهانی درباره علت عدم ثبت گزارش‌های این قیام‌ها می‌نویسد:

۱. نجاشی، الرجال، ص ۲۵۶.

۲. سید ابن طاووس، فلاح السائل ونجاح المسائل، ص ۲۴۷.

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: هدایت‌پناه، منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم، ص ۲۹۶ به بعد.

البته باید یادآور شویم که بعید نیست گروهی از سادات طالبی، پنهان از آگاهی ما در زوایای دوردست جهان محبوس یا مقتول شده باشند و تاریخ‌نگاران از ذکر سرگذشت آنان محروم مانده باشند.^۱

انگیزه عمده مورخان شیعی در نگارش مقتل خاندان ابی‌طالب، افزون بر معرفی این خاندان و حقانیت و مظلومیت آنان، معرفی فساد دولت حاکم، زنده نگاه داشتن یاد و خاطره افرادی که در مقابل ظلم قیام کرده‌اند، تبیین اندیشه ظلم‌ستیزی و تأکید مجدد بر مبارزه طالبیان با ظلم تا شهادت است. اگرچه این روحیه و قیام مسلحانه با تفکرات زیدیه سازگار است، جوانی به طور مستقل تنها به دو تن و به شکل غیرمستقل به چندین نفر از سادات علوی پرداخته است. بنابراین ممکن است که چنین دیدگاهی، در ساختار و پوشش تدوین قیام زیدیان، دلیلی بر دیدگاه خود نویسنده باشد. چنان که در گزارشی درباره اقدامات ضدشیعی بنی‌عباس آمده است که علی بن ابراهیم جوانی در کنار مسجد کوفه آن جا که امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام برای قضاوت جلوس می‌نمود، مسجدی بنا کرد. بنی‌عباس به اعتبار قدرتی که داشتند آن مسجد را ویران کردند و با گروهی از ارادل به سمت مزار مقدس امیرمؤمنان علیه السلام حمله بردند و بر دیوار حرم کلنگ گذاشتند تا قبر مقدس علی علیه السلام را ویران کنند. علویان دیگر طاقت نیاورده، به دفاع برخاستند. جنگ میان آل‌عباس و آل‌علی علیه السلام در گرفت و چند تن از بنی‌عباس کشته شدند و مردی نیز از آل ابی‌طالب به قتل رسید.^۲

یکی از ابعاد تاریخ‌نگاری مورخان همانند علی بن ابراهیم به عنوان یک نسب‌شناس، پرداختن به شخصیت‌هایی است که چهره و جایگاه معنوی نزد ائمه اطهار علیهم السلام و مردم داشته‌اند و از سلامت اعتقاد برخوردار بودند. هدف عمده وی، افزون بر معرفی سادات

۱. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۴۶۰، ۲.

۲. همان، ص ۴۴۹.

علوی، بیان مسیر حرکت جهاد برای نسل‌های بعدی است چنان که در آغاز بحث، چندین روایت در شأن و منزلت شهید فخر ذکر می‌کند.^۱ همچنین یحیی بن عبدالله را از راویان حدیث امام صادق علیه السلام معرفی کرده، از اعتقاد یحیی به امام صادق علیه السلام سخن می‌گوید.^۲ جوّانی در ضمن نقل خبری بیان می‌کند که یحیی، زیدیه بتزیه و طرفداران حسن بن صالح و معتقدان به مسح روی پا را قبول نداشته و پشت سر آنان نماز نخوانده است.^۳ ابوالفرج اصفهانی نیز در تأیید این سخن می‌نویسد:

ما در اینجا از آل ابوطالب شخصیت‌هایی را موضوع تعریف قرار می‌دهیم که

به صلاح دینی‌شان اعتماد داریم و نهضتشان را حق خواه و حقیقت‌جو می‌شناسیم.^۴

ظهور دولت‌های شیعی چون علویان طبرستان (۳۱۶-۲۵۰ق)، ادرسیان (۳۶۳-۱۷۲ق)، فاطمیان (۵۶۷-۲۹۷ق)، آل بویه (۴۴۷-۳۲۲ق) و حمدانیان (۳۹۲-۲۹۳ق) تا حدودی قدرت خلافت عباسی را منفعّل کرد به گونه‌ای که شیعیان بر آن سیطره پیدا کردند و این زمینه بسیار مساعدی برای نشر و توسعه فرهنگی شیعی در قرن چهارم و پنجم به وجود آورد. با تکیه بر این قدرت سیاسی و فرهنگی شیعه است که شاهدیم ابوالفرج اصفهانی آشکارا اجداد خلفای عباسی یعنی سفاح و منصور را لعن می‌کند^۵ و در موارد متعدد، اخباری را درباره جنایات منصور عباسی ذکر کرده است که اعتبار و مشروعیت سیاسی و اعتقادی عباسیان را زیر سؤال برده است.^۶

۱. همان، ص ۲۸۹؛ محلی، *الحقائق الوردیة فی مناقب الأئمة الزیدیة*، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۳۰۸.

۳. همان، ص ۳۱۱، ۳۰۹.

۴. همان، ص ۴۶۰، ۲.

۵. همان، ص ۲۵۶.

۶. همان، ص ۱۵۵-۱۴۰.

۴. روش تاریخ‌نگاری

جَوّانی تلاش کرده تا در نگارش تاریخ، علاوه بر ارائه سند روایات و بیان وقایع تاریخی، به روش مقتل‌نگاری پایبند باشد و در ضمن آن به اهداف قیام طالبیان نیز بپردازد. وی تلاش دارد بدون اظهار نظر و پیش‌داوری، به نقل اخبار بپردازد. با اعتماد و اعتقادی که جَوّانی به جایگاه و شخصیت معنوی و اجتماعی شهید فخر و یحیی بن عبدالله دارد، به نقل اخبار مقام معنوی، مظلومیت، قیام و همراهان قیام اهتمام بیشتری دارد.^۱ لذا در آغاز به نقل اخبار فضائل و مناقب شهدای طالبیان و در ادامه به مقتل شرکت‌کنندگان در قیام پرداخته است.

برای شناخت روش تاریخ‌نگاری جَوّانی، شناخت منابعی که وی از آن‌ها بهره برده است ضرورت دارد. وی در تدوین کتاب از منابع تاریخی، انساب و مقتل‌نگاری آل ابی‌طالب به صورت مکتوب یا شفاهی و مکاتبه‌ای بهره برده است. به عنوان نمونه کتاب جعفری با عنوان خروج صاحب فخر و مقتله یکی از مهمترین منابع جَوّانی بوده است. موسی بن محمد بن حمّاد کوفی نیز از شیوخی است که علی بن ابراهیم در نقل اخبار شهید فخر و یحیی بن عبدالله با وی مکاتباتی داشته و اخبار او را نقل کرده است.^۲

از نکات قابل توجه در تاریخ‌نگاری جَوّانی، سندهای ارزشمندی است که غالباً با چهار واسطه یا کمتر به کسانی منتهی می‌گردد که از نزدیک شاهد وقایع قیام بوده‌اند؛^۳ مانند سعید بن خثیم بن رشد هلالی و ابومعمّر کوفی زیدی که در قیام فخر حضور داشته‌اند.^۴ یا آن که اخباری را با واسطه از خود شهید فخر درباره مقدمات و اقدامات قبل قیام نقل می‌کند، آنجا که حسین بن علی می‌گوید:

۱. همان، ص ۳۱۱، ۳۰۹.

۲. همان، ص ۳۰۹.

۳. همان، ص ۳۰۴.

۴. همان، ص ۳۰۴، ۱۸۷.

خواستم با محمد بن عبدالله در جهاد شرکت کنم. به من گفت: نه پسرک من!

تو باش تا پس از مرگ من باشد که زمام امر را به دست گیری.^۱

وی فهرستی از حاضران در قیام را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. نام برخی دیگر از راویان این اخبار به عنوان حاضران در جنگ برده نشده، اما در ارتباط با حسین بن علی بوده‌اند مانند حسین بن هذیل^۲ و یحیی بن سلیمان^۳ که هم عصر شهید فخ بوده و چندین خبر از وی نقل کرده‌اند.

علی بن ابراهیم در دانش حدیث و تاریخ‌نگاری به ارائه سند در نقل روایت پایبند است و تلاش می‌کند تا هر گزارشی را از افراد وجیه امامیه یا زیدیه از طریق مراجعه به منابع مکتوب (که ذکر آن خواهد آمد)، شفاهی (سماع) یا از راه مکاتبه با آگاهان به تاریخ دریافت و نقل کند که از آن جمله است محمد بن حماد که برخی اخبار را برای جَوّانی مکاتبه کرده و جَوّانی نیز در کیفیت نقل و محتوا امانتدار بوده است.^۴ وی همچنین همه اخبار پیرامون یک واقعه را جمع می‌کرده و در نهایت آن چه را قبول داشته، نقل کرده و روایات اختلافی را کنار گذاشته است^۵ که این حکایت از نوعی جامعیت جَوّانی در نگارش موضوع دارد. از همین رو ابوالفرج اصفهانی در ذیل بعضی از موضوعات تاریخی، از جمله موضوع یحیی بن عبدالله، به اختلاف اخبار و طریق روایات جَوّانی با دیگر اخبار اشاره کرده و هر دو را نقل کرده است.^۶ اما این اختلاف نظر به معنای نادرستی اخبار جَوّانی

۱. همان، ص ۱۸۷.

۲. همان، ص ۲۹۱، ۲۹۰، ۲۴۶.

۳. همان، ص ۲۹۱.

۴. همان، ص ۳۰۹.

۵. همان، ص ۳۰۹.

۶. همان، ص ۳۱۲-۳۱۰.

نیست زیرا بررسی محتوایی برخی گزارش‌های وی نشان می‌دهد که با دیگر منابع تاریخی مطابقت دارد مانند این گزارش جَوّانی که امام صادق علیه السلام چند نفر را وصی خویش قرار داد که با اخبار دیگر منابع مطابق است.^۱

۵. تحلیل ساختار و محتوای کتاب‌های جَوّانی

جَوّانی در ساختار کتاب به مباحثی چون شخصیت معنوی و جلوه‌های رفتار دینی و اجتماعی صاحب فخر، علل قیام، مقتل و در نهایت حاضران در قیام توجه خاصی داشته و برای هر بحث یک یا چندین روایت مستند را نقل می‌کند. روایات مربوط به شخصیت و رفتارهای معنوی و اجتماعی کوتاه است و حالت حکایتی دارد اما بیشتر اخبار مقتل، طولانی است.

بر اساس آن چه ابوالفرج اصفهانی در این اخبار از جَوّانی و دیگران نقل کرده است، اذن و رضایت امام کاظم علیه السلام به قیام شهید فخر و خبر شهادت از سوی هاتف غیبی در اخبار جَوّانی دیده نمی‌شود؛ بلکه بیشتر اخبار، ناظر به عوامل و حاضران در قیام‌ها است و این می‌تواند حاکی از توجه خاص وی به سبک صحابه‌نگاری باشد.

در تحلیل ساختار کتاب *مقتل یحیی بن عبدالله* می‌توان گفت این کتاب شامل مباحثی از قبیل شخصیت، نسب و جایگاه و منزلت علمی و اخلاقی یحیی بوده و ابوالفرج آن‌ها را نقل نکرده است یا آن که گزینشی برخورد کرده است، چنان که وی خبری را نقل می‌کند که در آن اشاره به وصایت یحیی از طرف امام صادق علیه السلام دارد. یا آن که جَوّانی اساساً به شخصیت و جایگاه یحیی نزد اهل بیت علیهم السلام و بنی هاشم نپرداخته است، زیرا اگر مطرح شده بود، ابوالفرج از نقل آن‌ها پرهیز نمی‌کرد. بنابراین، وی بخش‌های ناقص مقتل جَوّانی را از دیگر کتاب‌ها یا استادان دیگر خودش دریافت کرده است. ممکن است گفته شود

۱. همان، ص ۳۸۹.

چون جَوّانی در معرفی چهره یحیی جانب شخصیت معنوی او را در نظر داشته است از اساس به برخی اخبار که ناظر به ارائه چهره دیگری از یحیی بوده، مانند دعوای وی با امام کاظم علیه السلام بی توجه بوده و از نقل آن‌ها خودداری کرده است یا آن که ابوالفرج از نقل آن‌ها پرهیز کرده است.

اعتبار اخبار قیام‌های علوی و توجه خاص جَوّانی به منابع مختلف و برخوردارگی از دانش نسب به ویژه در معرفی شخصیت‌های قیام‌کننده و حاضران در قیام‌ها، عامل اصلی توجه ابوالفرج اصفهانی به اخبار جَوّانی است. به عبارت دیگر، اصفهانی به دلیل جامعیت و اتقان محتوا، بخشی از مباحث خود را به مطالب جَوّانی اختصاص داده است اما ممکن است وی بخشی از اخبار را به دلیل زاویه دید تاریخی که توجه خاص به قدسی کردن مقام طالبیان دارد، نقل نکرده باشد. به عنوان نمونه ابوالفرج اصفهانی و جَوّانی به نامه تند یحیی به امام کاظم علیه السلام که جعفری نیز در کتاب *خروج صاحب فخر و مقتله آن* را نقل کرده، توجهی نداشته‌اند. در این نامه از عدم همکاری امام با یحیی سخن به میان آمده یا این که یحیی گلابیه کرده است که امام در حق جهاد وی کوتاهی کرده و خواهان تحقق شعار «الرُّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» نیست.^۱

۶. منابع و مشایخ

الف. منابع

علی بن ابراهیم جَوّانی در تدوین کتاب‌های خویش از منابع و شیوخ متعددی بهره برده است. به نظر می‌رسد گزاره‌های تاریخی این منابع به صورت مستقیم در دسترس وی بوده یا از طریق سماع کسب علم کرده یا به صورت غیرمستقیم توسط روات سند برای وی نقل شده باشد؛ زیرا ممکن است شیوخ وی صاحب تألیف باشند یا از شاگردان مورخان

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۳۶۶، ح ۱۹.

مشهوری باشند که در حوزه تاریخ تشیع آثار با ارزشی دارند. در این بخش به بررسی و ذکر منابع و شیوخ مورد استفاده جوانی می‌پردازیم.

۱. آثار تاریخی احمد بن حارث بن خَاز

ابوجعفر احمد بن حارث بن خَاز یا خَاز مُبارک (م ۲۵۸ق)، یکی از روات اخبار شهید فخر و یحیی بن عبدالله بوده که علی بن ابراهیم از وی خبر نقل کرده است. خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق)، درباره ابن خَاز می‌نویسد: «وی راستگو، اهل درک و فهم و معرفت بود. خَاز شاگرد خاص مدائنی و راوی کتاب‌های او است».^۱ علاوه بر ابوالحسن مدائنی (م ۲۳۵ق)،^۲ ابوبکر بن ابی‌الدنیا (م ۲۸۱ق)، ابوسعید سُکری نحوی (م ۲۷۵ق) و ابواحمد جَریری (م ۳۱۱ق) از استادان وی در نقل حدیثند.^۳ بنا بر گزارش ابن ندیم، خَاز به آثار تاریخی و تصانیف مدائنی دسترسی داشته و آن‌ها را روایت کرده است. طبق سند ابوالفرج اصفهانی، خَاز اخبار شهید فخر را از طریق مدائنی نقل می‌کند.^۴ از جمله آثار مدائنی در زمینه اخبار خاندان ابی‌طالب، کتاب *أخبار ابی‌طالب وولده* است.^۵ بنابراین به نظر می‌رسد که اخبار خَاز از این دو اثر بوده باشد. ابن خَاز، نسخه‌نویس بوده و بر اخبار تاریخی عمر بن شُبّه نُمیری (م ۲۶۲ق) نیز آگاهی داشته و از آن‌ها نسخه‌برداری کرده است.^۶ وی هم چنین یک کتاب تاریخی - که امکان دارد مرتبط با مقتل آل ابی‌طالب بوده باشد - داشته و ابوالفرج آن را دیده و نسخه‌نویسی کرده است.^۷ ابوالفرج ۴۷ بار از ابتدا تا انتهای کتاب از

۱. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۴، ص ۳۴۵.

۲. ابن جوزی، *المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک*، ج ۷، ص ۵.

۳. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۴، ص ۳۴۵.

۴. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۳۰۴.

۵. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۱۴.

۶. ابوالفرج اصفهانی، *پیشین*، ص ۲۹۴.

۷. همان، ص ۲۵۹.

او یاد کرده است^۱ و پنج بار به کتاب خَزَّاز و نسخه‌برداری از این کتاب که به خط خود خَزَّاز بوده و توسط عیسی بن حسین به دست وی رسیده، تصریح کرده است.^۲ همچنین طبق گزارش ابوالفرج، خَزَّاز دارای کتاب بوده و اخبار خود را از آن کتاب نقل می‌کند.^۳ ابن خَزَّاز در زمینه تاریخ دارای چندین اثر است. یکی از آن‌ها کتاب *الاخبار والنوادر* است.^۴ بر همین اساس زرکلی از او با عنوان مؤرخ یاد می‌کند.^۵ اگرچه آثار وی عنوان تاریخ آل ابی طالب ندارد اما با توجه به وجود وی در سند روایات مقتل آل ابی طالب و علی بن ابراهیم در روایات کتاب *صاحب فخر و یحیی بن عبدالله*، به نظر می‌رسد این اخبار برگرفته از آثار تاریخی مدائنی باشد. بنابراین می‌توان گفت بخشی از اطلاعات منتقل شده به علی بن ابراهیم از طریق ابن خَزَّاز و استاد وی مدائنی است و این اخبار نیز از طریق کتاب‌های *اسماء من قُتِلَ من الطالبیین و حرّة واقم* تالیف استادش مدائنی (م ۲۳۵ق) باشد.^۶

۲. کتاب خروج صاحب فخر و مقتله

یکی دیگر از منابع علی بن ابراهیم جوانی، کتاب *خروج صاحب فخر و مقتله* نگاشته ابومحمد عبدالله بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب علیه السلام است.^۷ ابومحمد صاحب کتاب‌هایی با عنوان *کتاب خروج محمد بن عبدالله (نفس زکیه)* و

۱. همان، ص ۵۱، ۵۶، ۵۹.

۲. همان، ص ۳۸۴، ۲۹۴، ۲۵۹، ۱۹۸.

۳. همان، ص ۳۸۴.

۴. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۱۷.

۵. زرکلی، *الاعلام*، ج ۱، ص ۱۰۹.

۶. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۱۴.

۷. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۲۹۴.

مقتله و کتاب خروج صاحب فخر و مقتله است.^۱ بنا بر گفته مدرسی طباطبایی از رساله خروج صاحب فخر نیز تنها نقل قول‌هایی در ضمن کتاب/اخبار فخر تألیف احمد بن سهل رازی باقی مانده است.^۲ ابوالفرج اصفهانی قیام صاحب فخر را با سند ابراهیم جعفری از طریق جَوّانی با سند حسن بن محمد مزنی، از علی بن محمد بن ابراهیم، از بکر بن صالح، از عبدالله بن ابراهیم جعفری دریافت کرده است.^۳

اخبار کتاب عبدالله بن ابراهیم جعفری درباره شهید فخر در دسترس بکر بن صالح قرار داشته است.^۴ نجاشی نیز این کتاب را از طریق بکر بن صالح روایت کرده است.^۵ بکر بن صالح شاگرد جعفری بوده و روایاتی را از وی درباره شهید فخر نقل کرده است؛^۶ اما از آن جا که بکر بن صالح کتابی مستقل درباره اخبار طالبیان ندارد، آن چه روایت کرده از نسخه کتاب اخبار صاحب فخر تألیف جعفری است. ممکن است این احتمال تقویت گردد که بکر بن صالح دفتری داشته و اخبار طالبیان را از هر منبعی یادداشت کرده و در اختیار نویسندگان بعدی قرار داده است.

۳. اخبار حرب بن حسن طحان از کتاب نَسَب آل ابی طالب

از دیگر منابعی که ابراهیم جَوّانی اخبار یحیی بن عبدالله را از آن نقل کرده است، حرب بن حسن (متوفای اواخر قرن سوم)^۷ از علمای شیعه است که در منابع حدیثی و

۱. نجاشی، الرجال، ص ۲۱۶؛ خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۸۸.

۲. مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه، ص ۱۹۴.

۳. ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۲۹۴، ۲۶۸، ۸.

۴. همان، ص ۲۶۷.

۵. نجاشی، الرجال، ص ۲۱۶.

۶. ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۲۹۴، ۲۶۸، ۸.

۷. همان، ص ۳۰۸.

تاریخی، روایاتی از طریق وی به ویژه درباره ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است.^۱ نجاشی او را از مؤلفان شیعه دانسته، درباره وی می‌نویسد:

حرب بن حسن طحان کوفی، روایاتش نزدیک به قبول است، از عامه نقل روایت کرده، صاحب کتاب بوده و من از طریق احمد بن محمد زُراری و وی از طریق رزاز و وی از طریق یحیی بن زکریا لؤلؤی به اخبار کتاب حرب دسترسی داشته‌ام.^۲

در این شرح حال نام کتاب یا دفتر وی مشخص نیست اما با توجه به داشتن روایات تاریخی^۳ و قرار گرفتن در سند روایات علی بن ابراهیم ممکن است آثار وی تاریخی باشد؛^۴ زیرا وی شاگرد یحیی بن حسن علوی صاحب کتاب نسب آل ابی طالب و کتاب المساجد بوده است.^۵ شیخ طوسی نیز در کتاب الغیبه روایاتی را از وی درباره غیبت حضرت حجت، از یحیی بن حسن نقل کرده است.^۶ بنابراین، این احتمال تقویت می‌گردد که اخبار یحیی در علم انساب در اختیار حرب قرار داشته و از طریق آن به جوآنی منتقل شده است.

۴. آثار تاریخی حسین بن محمد بن عبدالواحد کوفی

منابع رجالی درباره شخصیت علمی و اعتقادی حسین یا حسن بن محمد بن عبدالواحد کوفی (م قبل از ۲۹۰ق) سخنی به میان نیاورده‌اند. در منابع روایی شیعه، روایاتی با نام حسین یا حسن بن عبدالواحد وجود دارد که به نظر می‌رسد این شخص عبدالواحد خَزَّاز

۱. کوفی، مناقب الإمام أمير المؤمنين علیه السلام، ج ۲، ص ۴۰۶.

۲. نجاشی، الرجال، ص ۱۴۸.

۳. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۶۳.

۴. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۰۸.

۵. نجاشی، الرجال، ص ۴۴۲؛ شیخ طوسی، رجال، ص ۴۵۱.

۶. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۷.

باشد؛ زیرا در روایتی، عبدالواحد خَزَّاز از یحیی بن حسن بن فرات قَرَار یا قَزَّاز روایت نقل کرده است.^۱ جَوَّانی نیز دو روایت را از حسن بن محمد به نقل از یحیی بن حسن بن فرات بن قَزَّاز درباره اخبار شهدای فِخ و همراهان قیام محمد بن عبدالله نقل کرده است.^۲ عمده اخبار وی در منابع روایی شیعه، فضیلت و جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام^۳ و دیگر اهل بیت است.^۴ پس، بر اساس گزارش‌های موجود می‌توان گفت در صورت یکی‌بودن دو شخصیت، وی از محدثان و مورخان شیعه است.

ابوالفرج اصفهانی در *مقاتل الطالبیین* پنج روایت از عبدالواحد کوفی نقل کرده است. در یکی از روایات، وی در سند اخبار علی بن ابراهیم قرار دارد.^۵ عبدالواحد کوفی همچنین در سند روایات کتاب *اخبار فِخ* اثر احمد بن سهل رازی (م ۳۲۵ق) قرار دارد.^۶ اگرچه در منابع تراجم، کتابی مستقل یا مرتبط با موضوع شهادت طالبیان برای وی ثبت نکرده‌اند، اما بنا بر گزارش محقق کتاب *اخبار فِخ* نگاشته ابوسهل رازی، حسین بن محمد دارای کتابی درباره *انقلاب‌های طالبیان* بوده که اخبار آن شامل قیام‌های زید بن علی علیه السلام، محمد و برادرش ابراهیم، فِخ و قیام ابی‌السرایا است.^۷ در یک جمع‌بندی می‌توان گفت از آن جا که وی در سند دو منبع مرتبط با شهید فِخ و اخبار آل ابی‌طالب قرار دارد، ممکن است اخبار

۱. سید ابن طاووس، *الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بإمرة المؤمنین*، ص ۳۱۸.

۲. ابوالفرج اصفهانی، *پیشین*، ص ۳۰۴، ۱۸۷.

۳. سید ابن طاووس، *الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بإمرة المؤمنین*، ص ۳۱۸.

۴. ابن خَزَّاز، *کفایة الأثر*، ص ۳۰۲؛ شیخ صدوق، *معانی الاخبار*، ص ۹۵؛ همو، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ج ۱، ص ۹۷.

۵. ابوالفرج اصفهانی، *پیشین*، ص ۱۳۱.

۶. رازی، *اخبار فِخ*، ص ۲۷.

۷. رازی، *اخبار فِخ*، مقدمه احمد بن ابراهیم حسنی و ماهر جرار، ص ۲۳.

کتاب احمد بن سهل رازی یا اخبار شیوخ خود در منبع رازی را برای علی بن ابراهیم نقل کرده باشد. یا آن که روایات وی از همان کتاب انقلاب‌های طالبیان باشد.

۵. آثار تاریخی جعفر بن محمد فزاری

یکی دیگر از منابع و شیوخ علی بن ابراهیم در اخبار صاحب فح که بیشترین روایت را از طریق وی نقل کرده، جعفر بن محمد فزاری کوفی است. ابوالفرج اصفهانی در برخی روایات نام وی را با کنیه فزاری یا با شهرت سابور آورده است. با توجه به ترجمه نجاشی و خویی، به نظر می‌رسد نام کامل وی جعفر بن محمد بن مالک بن عیسی بن سابور فزاری و یا جعفر بن محمد بن مالک باشد.^۱ فزاری در تاریخ دارای آثاری از جمله کتاب *عُرر الأخبار*، کتاب *أخبار الأئمة وموالیدهم* علیه السلام، کتاب *الفتن والملاحم*،^۲ *النوادر*^۳ و *جزء فی الحدیث*^۴ بوده است.

هفت روایت از روایات علی بن ابراهیم از طریق فزاری نقل شده است. به نظر می‌رسد یا آثار تاریخی فزاری مرتبط با تاریخ آل ابی طالب است یا آن که وی دفتری داشته یا متون تاریخی دیگران را در دست داشته و از آن‌ها برای علی بن ابراهیم قرائت کرده است؛ زیرا نام یکی از آثار تاریخی فزاری، *عُرر الأخبار* است و واژه *عُرر* در لغت به معنای سپید، درخشان، برگزیده، بهتر، آغاز و پیدایش هر چیزی است.^۵ ممکن است در این کتاب، اخبار برگزیده مرتبط با اخبار شهادت و قیام علویان آمده باشد. همچنین ممکن است اخبار قیام آل ابی طالب در کتاب‌های *الفتن والملاحم والنوادر* وی نقل شده باشد. نیز می‌توان

۱. نجاشی، *الرجال*، ص ۱۲۲؛ خویی، *معجم رجال الحدیث*، ج ۵، ص ۹۸، ۸۸.

۲. نجاشی، *پیشین*، ص ۱۲۲.

۳. شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۹۲.

۴. آقابزرگ طهرانی، *الدریعه*، ج ۵، ص ۱۰۰.

۵. دهخدا، *لغت نامه*، ج ۱۱، ص ۱۶۶۴۶.

گفت ممکن است این اخبار، ذیل کتاب *أخبار الأئمة وموالیدهم* نقل شده باشند. فزاری، افزون بر اخبار شهید فخر، درباره دیگر موضوعات تاریخی و دینی شیعه نیز روایاتی در منابع فریقین دارد. اوصاف حضرت مهدی علیه السلام، نهی از نام بردن حضرت،^۱ رساله امام صادق علیه السلام به جماعتی از شیعیان،^۲ کمک به مردم^۳ و چندین روایت دیگر از جمله این اخبارند. نجاشی درباره شخصیت علمی فزاری می‌نویسد:

جعفر بن محمد فزاری، کوفی و ناآشنا به دانش حدیث است و از ضعف نقل حدیث می‌کند. بنا بر گفته احمد بن حسین از مجاهیل نقل حدیث می‌کند و شنیدم از کسی که می‌گفت فاسد المذهب و الروایة است اما نمی‌دانم چگونه شیخ شریف و تقه ما ابوعلی بن همام و شیخ جلیل و تقه ما ابوغالب زُراری از وی نقل روایت کرده‌اند.^۴

غضائری نیز وی را کذاب دانسته، درباره وی می‌نویسد:

جعفر بن محمد فزاری کذاب است. همه احادیث او متروک است. اهل غلو است. از ضعف و مجهولان روایت نقل می‌کند.^۵

لذا معنا ندارد که نجاشی این قید را بیاورد و توضیح دهد. بنابراین نمی‌توان این نکته را نیز از نظر دور دانست که اخبار وی مورد اعتنای علمای شیعه بوده است. شیخ طوسی نیز در *الفهرست* در مورد فزاری می‌نویسد:

۱. ابن بابویه قمی، *الامامة والتبصرة*، ص ۱۱۷.

۲. کلینی، *الکافی*، ج ۸، ص ۲.

۳. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۳، ص ۲۶۷.

۴. نجاشی، *الرجال*، ص ۱۲۲.

۵. ابن غضائری، *رجال*، ص ۴۸.

جعفر بن محمد بن مالک کتابی به نام نوادر دارد که جماعتی از بزرگان

شیعه همانند تلعهکبری و ابوعلی کتاب وی را برای من نقل کرده‌اند.^۱

بنابراین شیخ طوسی نیز به این کتاب از طریق علمای موثق شیعه دسترسی داشته و هیچ سخنی از مدح و ذم ایشان به میان نیاورده است.

در تحلیل دیگری می‌توان گفت، گاهی برخی از اصحاب و عالمان شیعه به دلیل نقل حدیثی غریب که مورد اتفاق جامعه شیعه نبود، متهم می‌شدند. لذا ممکن است فزاری نیز از این باب متهم شده باشد؛ چنان که شیخ طوسی در کتاب رجال، وی را ثقه دانسته، در این باره می‌نویسد:

جعفر بن محمد، کوفی و ثقه است اما گروهی وی را تضعیف می‌کنند و تنها

جرم وی نقل برخی اخبار با موضوع معجزات دوران بارداری و هنگام تولد

حضرت حجت بوده که همه اینها عجیب است.^۲

ابوغالب زراری نیز فزاری را ثقه دانسته، می‌نویسد:

وی از اعلام روات شیعه و ثقه است که از جعفر بن محمد قرشی روایت نقل

کرده است.^۳

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت نجاشی، اگرچه فزاری را ذم کرده، در چند مورد به اخبار وی اعتماد کرده است.^۴ افزون بر بیان برخی منابع رجالی و فهرست درباره ثقه‌بودن فزاری و اعتماد ابوعلی همام و ابوغالب زراری به اخبار وی، چندین خبر در رد بر غلات و

۱. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۹۲.

۲. شیخ طوسی، رجال، ص ۴۱۸.

۳. ابوغالب زراری، تاریخ آل زراره، ص ۲۲۶.

۴. نجاشی، الرجال، ص ۲۰۰، ۸۱.

قدریه^۱ نیز از وی نقل شده است. خوبی نیز توثیق وی توسط شیخ و علی بن ابراهیم را معارض با تضعیف وی می‌داند.^۲ همچنین مامقانی بعد از تجزیه و تحلیل شخصیت فزاری، هم عقیده با مجلسی اول بوده، بر این باور است که اعتماد استادان نجاشی نیز قابل توجه است؛ زیرا آنان نسبت به غضائری، بیشتر به حال وی اشراف داشتند و به نظر من، فزاری ثقة است.^۳ درباره مذهب وی به صورت مستقیم صحبتی به میان نیامده است اما بر اساس آثار و روایات وی درباره ائمه اطهار علیهم‌السلام و ذکر نام وی در منابع رجال و فهرست علمای شیعه، تشیع وی قابل اثبات است.

۶. آثار موسی بن محمد بن حماد

موسی بن محمد بن حماد^۴ یا محمد بن موسی بن (یحیی بن) حماد کوفی، صاحب کتاب بوده^۵ و از دیگر شیوخی است که علی بن ابراهیم در نقل اخبار شهید فخر و یحیی بن عبدالله، اخباری را از وی به طریق مکاتبه نقل کرده است. جوانی به دلیل اجازه‌ای که از موسی بن حماد در تحمل حدیث داشته، دست‌نوشته‌های او را منتشر کرده است. بر اساس گفته نجاشی، ابن حماد به آثار تاریخی هشام بن محمد بن سائب (م ۲۶۰ق) در موضوعات مختلف از جمله مقاتل و أنساب الأئمه دسترسی داشته و آن‌ها را نقل کرده است.^۶ شیخ طوسی نیز می‌نویسد: «احمد بن عبدون و حسین بن عبیدالله ما را از این اخبار

۱. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۷۲.

۲. خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۸۸.

۳. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱۶، ص ۴۴-۴۵.

۴. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۰۹.

۵. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱۱، ص ۱۱۶؛ همو، مقاتل الطالبیین، ص ۳۲۹، ۳۱۳.

۶. نجاشی، الرجال، ص ۴۳۵.

آگاه کرده‌اند»^۱. هشام، همچنین طبق برخی از اسناد، به اخبار و آثار لوط بن یحیی نیز دسترسی داشته است.^۲ بر اساس گزارش تنوخی، ابوالفرج اصفهانی به یک نسخه از آثار ابن خَمَاد دسترسی داشته و آن را استنساخ کرده است.^۳ اما موضوع کتاب وی چیست؟ هیچ گونه اطلاعی در دست نیست؛ گرچه با توجه به قرآینی چون روایات وی در *مقاتل الطالبیین* و نسخه‌برداری ابوالفرج از آن، یا مکاتبات علی بن ابراهیم با وی درباره اخبار علویان،^۴ به احتمال قوی موضوع آن مرتبط با اخبار آل ابی‌طالب باشد.

ب. مشایخ

عمده روایات علی بن ابراهیم تاریخی است؛ اما در حوزه حدیث به ویژه نقل فضائل اهل بیت علیهم‌السلام نیز دارای روایاتی است. شیوخ وی در مجموع روایات عبارتند از: موسی بن محمد محاربی،^۵ حسین بن علی خزاز،^۶ محمد بن حسن بن محمد بن عبیدالله،^۷ محمد بن احمد بن عبدالله بن قُضاعة بن صفوان بن مهران جمال،^۸ جعفر بن عبدالله بن جعفر بن محمد،^۹ عبدالله بن محمد مدینی،^{۱۰} حیدرة بن حسین بن

۱. شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۲۰۴.

۲. نجاشی، *بیشین*، ص ۳۲۰.

۳. تنوخی، *الفرج بعد الشدة*، ج ۲، ص ۴۲۵.

۴. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۳۱۰.

۵. شیخ صدوق، *عیون اخبار الرضا علیه‌السلام*، ج ۱، ص ۱۸۷.

۶. ابن عقده، *فضائل أمير المؤمنين علیه‌السلام*، ص ۱۱۴.

۷. خوبی، *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۲، ص ۲۳۲.

۸. بروجردی، *طرائف المقال*، ج ۱، ص ۱۸۳.

۹. ابن عساکر، *تاریخ مدینة دمشق*، ج ۴۲، ص ۵۴.

۱۰. ابن خزاز، *کفایة الأثر*، ص ۳۱۱.

مفلح،^۱ عبیدالله بن حسن،^۲ سلمة بن سلیمان سراوی،^۳ ابراهیم بن بنان الخثعمی،^۴ موسی بن محمد بن حماد،^۵ یا محمد بن موسی بن (یحیی بن) حماد،^۶ سلیمان بن عطوس،^۷ حسین بن حکم بن مسلم خبری، ابو عبدالله الاسدی زعفرانی،^۸ ابو عبدالله جعفر بن محمد فزاری،^۹ یا جعفر بن محمد بن سابور،^{۱۰} حسن یا حسین بن علی بن هاشم مُزنی،^{۱۱} حسن بن محمد مُزنی،^{۱۲} محمد بن علی حسنی،^{۱۳} حمدان بن ابراهیم،^{۱۴} محمد بن ابراهیم مقری،^{۱۵} احمد بن حمدان بن ادريس^{۱۶} و جعفر بن احمد ازدی^{۱۷} یا جعفر بن احمد بن ابی مندل وراق کوفی.^{۱۸} در منابع رجالی اطلاعات کافی درباره اینان وجود ندارد. بنابراین

۱. قاضی نعمان، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۱، ص ۴۷۶.
۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۴.
۳. سید ابن طاووس، فلاح السائل ونجاح المسائل، ص ۲۴۷.
۴. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۰۹.
۵. همان، ص ۳۰۹.
۶. همان، ص ۳۱۳، ۳۲۹.
۷. همان، ص ۱۳۱.
۸. همان، ص ۲۸۹؛ نجاشی، الرجال، ص ۲۵۷؛ ابن بطریق، العمدة، ص ۲۰۸.
۹. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۰۰-۲۹۷.
۱۰. همان، ص ۳۰۴.
۱۱. همان، ص ۳۰۱، ۲۶۷.
۱۲. همان، ص ۲۹۷-۲۹۴.
۱۳. همان، ص ۱۳۲.
۱۴. همان، ص ۱۸۷.
۱۵. همان، ص ۲۹۳.
۱۶. همان، ص ۲۹۳.
۱۷. همان، ص ۲۹۴.
۱۸. همان، ص ۳۸۴.

لازم است تا گزارش‌های موجود درباره شخصیت برخی از استادان و شاگردان وی بررسی شود تا کیفیت وثاقت و اعتبار مشایخ و منابع آنان در نقل روایت روشن شود. اطلاعات لازم برای شناخت برخی از این مشایخ وجود ندارد و شخصیت علمی آنان مجهول است. هر یک از احمد بن حمدان بن ادريس، ابراهیم بن بنان خُتعمی، حسن بن محمد مُزنی، سلیمان بن عَطوس با یک روایت و محمد بن ابراهیم مقری با پنج روایت و حسن یا حسین بن علی بن هاشم مزنی با شش روایت، از جمله این افرادند. درباره برخی دیگر از شیوخ جَوّانی تا حدودی اطلاعات کافی وجود دارد. جعفر بن محمد بن مالک بن عیسی بن سابور فزاری با پنج روایت، حسین بن علی بن الحکم بن مسلم جَبّری با دو روایت، حمدان بن ابراهیم با سه روایت، محمد بن علی حسنی و موسی بن محمد بن حماد یا محمد بن موسی بن (یحیی بن) حماد با پنج روایت، از جمله این شیوخند. از میان شیوخ علی بن ابراهیم جَوّانی تنها جعفر بن محمد فزاری و موسی بن محمد بن حمّاد دارای آثار تاریخی مرتبط با اخبار صاحب فخر و یحیی بن عبدالله‌اند. برخی دیگر اگرچه صاحب تألیفند، آثارشان مرتبط با موضوع نیست. از جمله شیوخ جَوّانی، حسین بن علی بن حکم بن مسلم، ابوعبدالله جَبّری و شاء کوفی (م ۲۸۶ق) با گرایش‌های شیعی و زیدی‌مذهب، از محدثان و مفسران قرن سوم است که در منابع رجال و تراجم، نام وی را حسین بن علی و برخی حسن بن حکم بن مسلم جَبّری ضبط کرده‌اند.^۱ برخی عالمان و محدثان شیعه، جَبّری را از مشایخ اهل تسنن دانسته‌اند^۲ اما محسن امین، وی را در شمار مشایخ شیعه آورده و دیدگاه منابع اهل سنت درباره تشیع وی را نیز نقل کرده است.^۳ نظر

۱. دارقطنی، *المؤتلف والمختلف*، ج ۲، ص ۹۵۴؛ حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۱، ص ۵۰۷.

۲. بحرانی، *غایة المرام*، ج ۴، ص ۷۸.

۳. همان، ج ۵، ص ۴۸۹.

دیگر آن است که وی زیدی مذهب است؛ زیرا عالمان زیدیه نام وی را در منابع رجالی خود ذکر کرده و از او روایت نقل کرده‌اند. چنان که در مُسند وی این گرایش مشهود است^۱ و عالمان زیدیه نیز به زیدی بودن حبری تصریح کرده‌اند.^۲

دانشمندان علم رجال و محدّثان اهل سنت تقریباً درباره وثاقت حِبْری اتفاق نظر داشته و روایات وی را معتبر دانسته‌اند. اما علمای رجال امامیه در کتاب‌های خود کمتر از حِبْری یاد کرده‌اند. حتی شیخ طوسی با وجود نقل روایت حِبْری از امام جواد علیه السلام^۳ وی را در شمار شاگردان یا راویان ائمه اطهار علیهم السلام ذکر نکرده است. در یک تحلیل می‌توان گفت احتمال دارد حِبْری روایات خود را از طریق مشایخ غیرامامی نقل کرده باشد؛ لذا شیخ طوسی نام وی را ذکر نکرده است. با این همه، عالمان امامیه، روایات حِبْری را نامعتبر ندانسته‌اند و حتی مجلسی روایت حِبْری از امام جواد علیه السلام را موثّق شمرده است.^۴

امام جواد علیه السلام^۵ ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق صینی،^۶ اسماعیل بن ابان وراق ازدی،^۷ حسن بن حسین عُرَنی انصاری^۸ - از مشایخ و محدّثان زیدیه -^۹ مَخَوَّل بن ابراهیم

۱. حبری، مسند، ج ۱، ص ۲۷۵-۳۸۵.

۲. حبری، تفسیر، مقدمه حسینی جلالی، ص ۱۹-۲۰.

۳. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۳۲۵.

۴. مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۱۱، ص ۳۱۵.

۵. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۳۲۵.

۶. حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹۷.

۷. مزّی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۳، ص ۷.

۸. حبری، تفسیر، ج ۱، ص ۲۳۳-۲۳۲.

۹. همان، مقدمه حسینی جلالی، ص ۴۹.

نهدی،^۱ حسین بن نصر بن مزاحم منقری،^۲ اسماعیل بن صبیح^۳ و ابن عقده از استادان وی در نقل حدیث بوده‌اند که از طریق آنان به آثار هشام کلبی و ابن عباس در تفسیر دسترسی داشته است.^۴ به نظر می‌رسد با توجه به دسترسی جیری به اخبار زیدیان و اخبار مورخان مشهور، بخش عمده‌ای از اطلاعات علی بن ابراهیم از طریق آثار جیری باشد. حسین بن حکم، دارای دو کتاب با نام‌های *مُسْنَد* و *ما انزل من القرآن فی علی* بوده که تفسیر وی بر جای مانده و مسند وی بازسازی شده است.^۵

از دیگر شیوخ علی بن ابراهیم، حمدان بن ابراهیم عامری کوفی یا اهوازی است. علی بن ابراهیم دو روایت از طریق وی در باب شهادت حسین بن علی نقل کرده است. به نظر می‌رسد با توجه به سند روایت طبرانی (م ۳۶۰ق): «حدثنا حمدان بن ابراهیم العامری الکوفی، حدثنا یحیی بن الحسن بن الفرات القزاز»^۶ و سند روایت *مقاتل الطالبیین*: «حدثنی علی بن ابراهیم العلوی الحسینی، قال: حدثنا حمدان بن ابراهیم، قال: حدثنی یحیی بن حسن بن فرات بن القزاز»^۷ وی همان حمدان بن ابراهیم عامری کوفی است. طبق گزارش شیخ طوسی، وی کوفی و از اصحاب امام رضا علیه السلام بوده است.^۸ بنا بر نظر آیت الله خویی، وی برادر محمد بن ابراهیم خَضمینی است و به حمدان خضمینی معروف است؛ لذا او

۱. همان، ج ۱، ص ۳۵۲. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۲. همان، ج ۱، ص ۲۸۸.
۳. قاضی نعمان، شرح الأخبار، ج ۲، ص ۵۶۲.
۴. حسینی استرآبادی، تأویل الآیات، ج ۲، ص ۶۷۳.
۵. حبری، مسند، ج ۱، ص ۲۷۵-۳۸۵.
۶. طبرانی، معجم الصغیر، ج ۱، ص ۱۵۵.
۷. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۴۶.
۸. شیخ طوسی، رجال، ص ۳۶۵.

همان ابن ابراهیم اهوازی است.^۱ در یک احتمال دیگر، با توجه به روایاتی که در باب وضو و زیارات از حمدان وجود دارد،^۲ به نظر می‌رسد وی حمدان بن اسحاق خراسانی باشد. چنان که نجاشی درباره وی می‌نویسد: «حمدان بن اسحاق خراسانی صاحب کتاب‌های *علل وضو و نوادر است*».^۳ در هر صورت وی از شیعیان بوده، روایات وی منافی عقاید شیعه نیست.

ابوعبدالله محمد بن علی حسنی از دیگر شیوخ علی بن ابراهیم جَوّانی در اخبار طالبیان است که ذهبی وی را جزو شرفا معرفی و مدح نموده است.^۴ حسنی از زید بن علی علیه السلام، محمد، حسین و یحیی بن زید^۵ روایاتی نقل کرده است. در *مقاتل الطالبیین* خبری از او درباره شهید فح وجود ندارد اما از طریق علی بن ابراهیم در خبر شهادت علی بن حسن بن حسن قرار دارد.^۶ در برخی گزارش‌ها، وی استاد فُرات زیدی و شاگرد حسن بن محمد مُزنی و عبدالله بن عبید سَکری بوده و فُرات روایاتی از وی درباره فضل زیارت امام حسین علیه السلام نقل کرده است. نیز حاکم حسکانی، روایاتی از وی درباره جایگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام و فضل شیعیان نقل کرده است.^۷ منابع به طور صریح درباره مذهب حسنی سخنی نگفته‌اند اما با توجه به روایات وی از زیدیه و روایت منابع زیدی از وی، به نظر می‌رسد زیدی‌مذهب بوده باشد.

شپشک‌کابردم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. خویی، *معجم رجال الحدیث*، ج ۷، ص ۲۶۵، ۲۵۹.

۲. خراسانی کرباسی، *اکلیل المنهج فی تحقیق المطلب*، ص ۲۲۷.

۳. نجاشی، *الرجال*، ص ۱۳۹.

۴. علوی، *دفع الارتیاب عن حدیث الباب*، ص ۵۷.

۵. زید بن علی، *مقدمه مسند*، ص ۱۰.

۶. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۱۳۲.

۷. حسکانی، *شواهد التنزیل*، ج ۲، ص ۲۹۵.

از دیگر منابع و شیوخ علی بن ابراهیم در اخبار صاحب فتح، جعفر بن محمد فزاری کوفی (با پنج روایت) و موسی بن محمد بن حمّاد^۱ یا محمد بن موسی بن (یحیی بن) حمّاد کوفی^۲ هستند که شرح حال آنان پیشتر بیان شد.

ج. شاگردان

بر اساس گزارش‌های موجود، جوّانی راوی و نسب‌شناس بوده است. وی در نقل حدیث از استادان بزرگی بهره برده و شاگردانی را نیز تربیت کرده است. از میان شاگردان وی می‌توان به ابوبکر سبّعی،^۳ عبدالله بن محمد بن یعقوب بخاری،^۴ علی بن العباس مقانعی،^۵ علی بن احمد نجاشی (پدر نجاشی)،^۶ محمد بن یعقوب کلینی،^۷ محمد بن یحیی،^۸ حمزه بن محمد قزوینی،^۹ محمد و احمد بن علی بن ابراهیم جوّانی،^{۱۰} احمد بن محمد بن سعید (ابن عقده)^{۱۱} و ابوالفرج اصفهانی^{۱۲} اشاره کرد.

۱. ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۳۰۹.

۲. همان، ص ۳۱۳، ۳۲۹.

۳. حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۶۸.

۴. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۵۴.

۵. ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۲۹۰.

۶. نجاشی، الرجال، ص ۲۵۶.

۷. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۴.

۸. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۲۳۲.

۹. تفرشی، تقد الرجال، ج ۲، ۱۶۸.

۱۰. ابن خزاز، کفایة الأثر، ص ۳۱۱.

۱۱. ابن عقده، فضائل أمير المؤمنين علیه السلام، ص ۱۱۴.

۱۲. نجاشی، الرجال، ص ۲۶۳.

۷. روایات علی بن ابراهیم در منابع پسین

۱.۷. کتاب فضل الشیعه

علی بن عباس بن ولید مقانعی (م ۳۱۳ق)، از جمله شاگردان علی بن ابراهیم و استادان ابوالفرج اصفهانی در نقل اخبار شهید فخر و یحیی بن عبدالله است. وی صاحب کتاب‌های *فضل الشیعه*، *الحج و الجامع* است که حسین بن عبدالکریم زعفرانی آن‌ها را روایت کرده است.^۱ روایات مقانعی به جز دو روایت در شهادت جعفر بن ابی طالب و علی علیه السلام، از مقتل زید، اخبار عبدالله بن حسن پدر نفس زکیه، قیام نفس زکیه و برادرش ابراهیم و علویان همراه او آغاز می‌شود و تا حسین بن علی شهید فخر ادامه می‌یابد. با توجه به دسترسی ابوالفرج اصفهانی به اخبار شهادت طالبیان از طریق وی به نقل از علی بن ابراهیم، به نظر می‌رسد این اخبار برگرفته از کتاب *فضل الشیعه* یا دفاتر حدیثی مقانعی باشد.

۲.۷. کتاب مقاتل الطالبیین

از دیگر آثاری که اخبار صاحب فخر و یحیی بن عبدالله را نقل کرده‌اند، کتاب *مقاتل الطالبیین* اثر علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ق) است. وی با بهره‌گیری از منابع و اسانید مختلف، به ویژه اخبار کتاب‌های علی بن ابراهیم، اخبار شهادت طالبیان را نقل کرده است. بعد از ابوالفرج اصفهانی، بیشتر مورخان و محدثان شیعه اخبار شهادت شهید فخر را از طریق ابوالفرج اصفهانی نقل کرده‌اند؛ لذا به نظر می‌رسد کتاب‌های جوانی در دوره‌های بعدی در دسترس نبوده‌اند. بنابراین، برخی منابع، اخبار این کتاب را به طور کامل و برخی دیگر تنها مقداری از این اخبار را نقل کرده‌اند. آنان منبع اخبار خویش را کتاب *مقاتل الطالبیین* ذکر کرده‌اند. چنان که قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ق) خلاصه‌ای از اخبار *مقاتل* را در کتاب *شرح الاخبار* نقل کرده است.^۲ یا محمد

۱. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۷۳.

۲. قاضی نعمان، شرح الأخبار، ج ۳، ص ۳۲۷.

بن جریر طبری شیعی^۱ برخی از اخبار علی بن ابراهیم را از طریق ابوالفرج نقل کرده است.^۲

۳.۷. آثار عباس بن عمر کِلَوذانی

از جمله کسانی که اخبار صاحب فخر و اخبار یحیی بن عبدالله را از طریق ابوالفرج اصفهانی نقل کرده‌اند می‌توان به عباس بن عمر بن عباس بن محمد بن عبدالملک، ابوالحسن کِلَوذانی بغدادی، کاتب و معروف به ابن مروان و از مشایخ نجاشی اشاره کرد.^۳ وی کتاب‌هایی در حدیث و غیر آن نیز روایت کرده و در سال ۴۱۴ قمری از دنیا رفته است.^۴

۴.۷. آثار احمد بن محمد بن سعید بن عقده

حافظ ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده (م ۳۳۳ق)^۵ از عالمان زیدی جارودیه بود و بنا بر برخی تحلیل‌ها به امامیه گروید^۶ و در مسجد براتا آشکارا مثالب

۱. درباره کتاب دلائل الامامه اختلاف نظر است. برخی بر این نظرند که بخشی از کتاب متعلق به نویسنده نیست.

۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۳۱؛ طبری شیعی، دلائل الامامه، ص ۷۲.

۳. نجاشی، الرجال، ص ۲۶۳-۲۶۲.

۴. سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۵، ص ۱۵۱-۱۵۲.

۵. ابوالفرج اصفهانی، پیشین، ص ۱۱۳.

۶. آثاری که ابن عقده دارد، می‌تواند از تشیع امامی وی حکایت کند؛ رک: نجاشی، الرجال، ص ۹۴. شوشتری در قاموس الرجال، بعد از نقد جارودی بودن ابن عقده، مستند به دو روایت از امام صادق ۷ و کتاب خود ابن عقده با عنوان کتاب الولایه و من روی غدیر خم و روایاتی که در نقد خلفا دارد، نتیجه می‌گیرد که وی شیعه امامیه بوده است (شوشتری، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۶۰۷-۶۰۲). برای مطالعه بیشتر درباره مذهب ابن عقده رک: فیروزمندی، جعفر و زهره نریمانی، «بررسی شخصیت رجالی ابن عقده و واکاوی مذهب او در کتب تاریخی»، مطالعات قرآن و حدیث، سال سوم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۸، ص ۱۴۸-۱۲۵.

خلفا را روایت می‌کرد.^۱ وی از شیوخ ابوالفرج و هم عصر علی بن ابراهیم جوّانی بوده و برخی از اخبار صاحب فسخ را برای ابوالفرج نقل کرده است.^۲ طبق نظر ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق)، وی مردی جلیل در اصحاب حدیث بوده و جمیع کتاب‌های اصحاب ما را روایت کرده و صاحب کتاب‌های زیادی است.^۳ نجاشی نیز می‌نویسد: «او کتاب‌های زیادی در حوزه تاریخ، کلام، تفسیر، حدیث و دیگر موضوعات داشته است که همه از وی نقل روایت کرده‌اند».^۴ ابن شهر آشوب علاوه بر کتاب‌های فوق، کتاب من روی عن فاطمة علیها السلام من اولادها، کتاب یحیی بن الحسین و کتاب زید و اخباره را نیز متعلق به وی می‌داند^۵ و ممکن است وی اخبار جوّانی را در این آثار نقل کرده باشد.

۵.۷. الحدائق الوردیة فی مناقب الأئمة الزیدیة

از دیگر کسانی که به نقل روایات کتاب اخبار صاحب فسخ اهتمام داشته است، حمید بن احمد بن محمد (م ۶۵۳ق) است. وی یکی از مبارزان زیدیه بود که تحت فرماندهی یکی از امامان زیدی به نام احمد بن حسین ملقب به ابوطیر به قتل رسید. مُحلی در کتاب الحدائق الوردیة فی مناقب الأئمة الزیدیة تمامی اخبار شهید فسخ را به نقل از مقاتل الطالبیین نقل کرده است.^۶ گرچه مُحلی در نقل اخبار به ذکر سند مقاتل کفایت می‌کند، اما با بررسی و تطبیق گزارش‌ها روشن گردید بیشتر اخبار وی همان اخباری است که در سند

۱. صولی، الاوراق، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۹۰.

۳. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۵۲-۵۳.

۴. نجاشی، الرجال، ص ۹۵.

۵. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۵۲.

۶. مُحلی، الحدائق الوردیة، ج ۱، ص ۳۱۸.

آن‌ها علی بن ابراهیم قرار دارد.^۱ همچنین مُحلی برخی از اخبار خود را از طریق کتاب /خبار فتح اثر احمد بن سهل رازی نقل کرده است.^۲

نتیجه

در بررسی زندگانی، شخصیت و حیات علمی و اجتماعی علی بن ابراهیم علوی جَوّانی، روشن گردید که ایشان به عنوان یک نسب‌شناس و مورخ با توجه به رشد تشیع در مناطق مختلف و با انگیزه تقویت قیام‌های زیدی در مبارزه با فساد و ظلم به عنوان یک بستر مناسب برای مبارزه با عباسیان، به نگارش دو اثر مستقل درباره قیام شهید فتح و یحیی بن عبدالله و همراهان آنان در این قیام‌ها اهتمام ورزیده است. وی در این آثار به شخصیت‌های برجسته علوی، مقام معنوی، نحوه قیام، شهادت و شهادت‌های همراه آنان پرداخته است. او با شیوه تک‌نگاری، افزون بر توسعه دادن این گونه از تاریخ‌نگاری تلاش دارد از روش سَماع و مکاتبه برای اطمینان از خبر بهره ببرد. ازاین رو، از منابع کهن، راویان و شیوخ معتبر شیعی و زیدی که به احادیث آنان اعتماد دارد و حتی از طرق کسانی که در قیام حضور دارند، روایات قیام و شهادت علویان را نقل کند.

بخش عمده‌ای از روایات جَوّانی مرتبط با معرفی همراهان قیام‌های علوی و صحابه‌نگاری است. در این روش، تلاش بر معرفی افراد برجسته حاضر در قیام است تا از طریق معرفی آنان، ضمن معرفی برگی از تاریخ تشیع، به معرفی حرکت سیاسی علویان در برابر حکومت ظالمانه عباسیان بپردازد. کتاب‌های تاریخی علی بن ابراهیم درباره شهید فتح و یحیی بن عبدالله موجود نیست و ما تنها از طریق کتاب *مقاتل الطالبیین* نگاشته ابوالفرج

۱. همان، ج ۱، ص ۳۲۱.

۲. جرار، ماهر، «نکاتی درباره نسخه کهن زیدی»، پیام بهارستان، ترجمه محمدکاظم رحمتی،

اصفهان‌ی به برخی از روایات وی دسترسی داریم اما همین اثر، اطلاعات مناسبی را درباره رویدادهای سیاسی تشیع و سبک تاریخ‌نگاری جوانی در اختیار قرار داده است.



منابع

١. ابن بابویه قمی، علی بن حسین، الامامه والتبصره، اول، قم: مدرسه امام مهدی، ١٤٠٤ق.
٢. ابن بطریق، یحیی بن حسن، العمده (عمده عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الأبرار)، اول، قم: جماعة المدرسین، ١٤٠٧ق.
٣. ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی، المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٢ق.
٤. ابن حزم، علی بن احمد، جمهرة أنساب العرب، اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٨ق.
٥. ابن خزاز، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام، قم: بیدار، ١٤٠١ق.
٦. ابن داود، رجال، قم: نجف، منشورات مطبعة الحیدریة، ١٣٩٢ق.
٧. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، قم: تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بی تا.
٨. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر، ١٤١٥ق.
٩. ابن عقده، احمد بن محمد، فضائل أمير المؤمنين علیه السلام، اول، قم: دلیل ما، ١٤٢٤ق.
١٠. ابن غضائری، احمد بن حسین، رجال، اول، قم: دارالحديث، ١٤٢٢ق.
١١. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، [بی تا].
١٢. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الاغانی، اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ١٤١٥ق.
١٣. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، دوم، نجف: منشورات المكتبة الحیدریة، ١٣٨٨ق.
١٤. ابو غالب زراری، تاریخ آل زرارہ، چاپ ربانی، ١٣٩٩ق.
١٥. احمد ابن ابراهیم، المصابیح، دوم، صنعاء: مؤسسه الإمام زید بن علی، ١٤٢٣ق.
١٦. آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، سوم، بیروت: دارالأضواء، ١٤٠٣ق.
١٧. انصاری، حسن، وب سایت بررسی های تاریخی، مقالات و نوشته های حسن انصاری (کاتبان)، ٢٣ آذر ١٣٩٠.
١٨. بحرانی، هاشم بن سلیمان، غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام، بی جا، بیروت، ١٤٢٢ق.

۱۹. بروجردی، سیدعلی، طرائف المقال، اول، قم: مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ق.
۲۰. نفرشی، سید مصطفی، نقد الرجال، اول، قم: مؤسسة آل البيت علیہ السلام، ۱۴۱۸ق.
۲۱. تنوخی، محسن بن ابی القاسم، الفرج بعد الشدة، دوم، قم: منشورات شریف رضی، ۱۳۶۲.
۲۲. جرار، ماهر، «نکاتی درباره نسخه کهن زیدی»، ترجمه محمدکاظم رحمتی، پیام بهارستان، تابستان ۱۳۹۰، ش ۱۲.
۲۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۲۴. حبری، حسین بن حکم، تفسیر، چاپ محمدرضا حسینی جلالی، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۲۵. حبری، حسین بن حکم، مسند، استخراج، تقدیم و توثیق محمدرضا حسینی جلالی، تراثنا، سال ۸، ش ۳-۴، ۱۴۱۳ق.
۲۶. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، اول، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
۲۷. حسینی استرآبادی، شرف الدین، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، اول، قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۷ق.
۲۸. خراسانی کرباسی، محمدجعفر، إکلیل المنهج فی تحقیق المطلب، قم: دارالحديث، ۱۳۸۲.
۲۹. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا.
۳۰. خوبی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة، پنجم، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۱. دارقطنی، علی بن عمر، المؤلف والمختلف.
۳۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دوم، تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷.
۳۳. رازی، احمد بن سهل، اخبار فخر، اول، یمن: مرکز اهل البيت علیہ السلام، ۱۴۲۱ق.
۳۴. رازی، احمد بن سهل، اخبار فخر، تصحیح و مقدمه احمد بن ابراهیم حسنی و ماهر جرار، یمن: دارالغرب الاسلامی، بی تا.
۳۵. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، پنجم، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰م.
۳۶. زید بن علی، مقدمه مسند زید بن علی، بیروت: منشورات دارمکتبة الحیاء، بی تا.
۳۷. سبجانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، اول، قم: مؤسسة الإمام الصادق، ۱۴۱۸ق.

٣٨. سمهودی، علی بن احمد، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، ٢٠٠٦م.
٣٩. سید ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بإمرة المؤمنین، اول، تهران: دارالکتاب، ١٤١٣ق.
٤٠. سید ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل ونجاح المسائل، اول، قم: بوستان کتاب، ١٤٠٦ق.
٤١. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، دوم، قم: جامعه مدرسین، ١٤١٠ق.
٤٢. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ١٤٠٣ق.
٤٣. شیخ صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، اول، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٤٠٤ق.
٤٤. شیخ صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٣ق.
٤٥. شیخ طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ١٤٠٤ق.
٤٦. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، اول، قم: المعارف الاسلامیة، ١٤١١ق.
٤٧. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ١٤١٧ق.
٤٨. شیخ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: بی نا، ١٣٦٤.
٤٩. شیخ طوسی، محمد بن حسن، رجال، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ١٤١٥ق.
٥٠. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، اول، قم: کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ق.
٥١. صولی، محمد بن یحیی، الاوراق، اول، قاهره: الأمل للطباعة والنشر، ٢٠٠٤م.
٥٢. طبرانی، سلیمان بن احمد، معجم الصغیر، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
٥٣. طبری شیعی، محمد بن جریر، دلائل الامامه، اول، قم: مؤسسه البعثة، ١٤١٣ق.
٥٤. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٩٦٦م.
٥٥. علامه حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال فی معرفة الرجال، اول، نشر الفقاهة، ١٤١٧ق.

۵۶. علوی عمری، علی بن ابی‌الغنائم، المجدی فی أنساب الطالبیین، دوم، قم: مرعشی نجفی، ۱۴۲۲ق.

۵۷. علوی، علی بن محمد، دفع الاریاب عن حدیث الباب، قم: دارالقرآن الکریم، بی تا.

۵۸. فخر رازی، محمد بن عمر، الشجرة المباركة فی أنساب الطالبیة، دوم، قم: مرعشی نجفی، ۱۴۱۹ق.

۵۹. فیروزمندی، جعفر و زهره نریمانی، «بررسی شخصیت رجالی ابن عقده و واکاوی مذهب او در کتب تاریخی»، مطالعات قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۸، سال سوم، ش ۱.

۶۰. قاضی نعمان، ابن حیون مغربی، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار علیهم السلام، اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.

۶۱. قهبایی، معجم الرجال.

۶۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۶۳. کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب الإمام أميرالمؤمنین ۷، اول، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۲ق.

۶۴. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، اول، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۳۱ق.

۶۵. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم: بی جا، ۱۴۱۳ق.

۶۶. محلی، حمید بن احمد، الحدائق الوردیة فی مناقب الأئمة الزیدیة، اول، صنعاء: مكتبة بدر، ۱۴۲۳ق.

۶۷. مدرسی طباطبایی، سیدحسین، میراث مکتوب شیعه در سه قرن اول هجری، ترجمه رسول جعفریان، اول، قم، ۱۳۸۶.

۶۸. مروزی ازوارقانی، سید عزالدین، الفخری فی أنساب الطالبیین، اول، قم: مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.

۶۹. مزّی، یوسف بن عبدالرحمان، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، بیروت، ۱۴۲۲ق.

۷۰. مسعودی، مروج الذهب ومعادن الجوهر.

۷۱. مقریزی، احمد بن علی، المقفی الكبير، دوم، بیروت: دارالغرب الإسلامي، ۱۴۲۷ق.

۷۲. نجاشی، ابوالعباس، *الرجال*، پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.
۷۳. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسة آل البيت علیهم‌السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق.
۷۴. هدایت‌پناه، محمدرضا، *منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم*، اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.

